

پیام نوروزی کمیته مرکزی حزب توده ایران

به کارگران، زحمتکشان و مردم ایران



کارگران، زحمتکشان و مردم ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران فرا رسیدن نوروز باستانی و سال نو را به همه شما هم میهنان از صمیم قلب تبریک می گوید و امیدوار است که سال نو، سال به پایان رسیدن حکومت استبدادی و ضد مردمی «ولایت فقیه» ، سال پایان ظلم، ستم ملی ، ستم جنسی و بی قانونی و سال شکفتن شکوفه های آزادی در میهن در بند ما باشد.

سالی که گذشت سال تشدید دشواری ها، اوج گیری نارضایتی وسیع توده ها، و سال تعمیق بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی رژیم جمهوری اسلامی بود. در حالی که سران رژیم مرتباً از «پیشرفت» ها و «دست آوردهای شگرف» دم زدند، اقتصاد کشور در شرایط ورشکستگی کامل قرار گرفت، میزان برابری نرخ ریال در مقایسه با ارزهای خارجی به پایین ترین سطح در سال های اخیر سقوط کرده و همراه آن درآمد واقعی و قدرت خرید میلیون ها ایرانی به شدت کاهش یافت و میلیاردها دلار درآمد کشور صرف پرداخت سودبدهی هایی شد که سران جمهوری اسلامی برای کشور به بار آورده اند. در نتیجه همین سیاست ها، بیش از نیمی از جمعیت کشور دو زیرخط فقر زندگی می کند و فاصله طبقاتی در جامعه ما به ابعاد بی سابقه ای رسیده است. در همین حال مادر سال گذشته شاهد رسوا شدن غارت بی سابقه کشور توسط دست اندرکاران حکومتی، خانواده و نزدیکان آنان بودیم. ماجرای دزدی صدها میلیارد تومان از بانک های کشور در کنار رواج بی

ادامه در ص ۶

نامه مردم ارکان مرکزی حزب توده ایران

دوره هشتم، سال دوازدهم شماره ۲۵، ۲۲ اسفند ماه ۱۳۷۴

سرمایه بزرگ تجاری و مسأله «عدالت اجتماعی»

چندی است که جناح «رسالت» ، نماینده سیاسی و سخنگوی سرمایه داری بزرگ تجاری ایران در حاکمیت، فریاد «وا عدالتا» بلند کرده است و در دفاع از «عدالت اجتماعی» یقه درانی می کند. آیت الله آذری قسمی، ایدئولوگ مذهبی این جناح، که به مدت هفده سال جانانه از منافع تجار بزرگ دفاع کرده و هیچ فرصتی را برای سرازیر کردن ثروت های کشور به جیب بی انتهای آنان از دست نداده است، اکنون به ناگاه بانگ برآورده است که «تمی توانم ناظر زندگی تلخ مستضعفین و بیمارانی که قادر به پرداخت حق مجالجه خود نیستند و ... باشم» ، و شکوه می کند که نظام جمهوری اسلامی، «بعد از شانزده سال» هنوز نتوانسته است «عدالت اجتماعی» را «لمس» کند. و حبیب الله عسکراولادی، تاجر بزرگ سرمایه داری که در اوایل انقلاب همه او را به عنوان «آهن خوار» می شناختند، امروز در مقام رهبر جناح «رسالت» دم از نبود «عدالت اجتماعی» در جامعه می زند. از انگیزه های تبلیغاتی انتخاباتی این آقایان که بگذریم، فریاد های آنان در دفاع از «حقوق مستضعفان» و «عدالت اجتماعی»، انسان را به یاد آن دزدی می اندازد که چون خود را عنقریب در چنگ مردم گرفتار می دید، خود فریاد «آی دزد» را بلند کرد تا

ادامه در ص ۶

سختی با فرصت آزادی پیراندوین پنجمین دوره «انتخابات»

۲۷ شهریور

خطری که ایران را تهدید می کند

خاورمیانه بار دیگر درگیر تنش ها و درگیری های خطرناک

اسرائیل در این زمینه دفع خواهد کرد. مجموعه این خبرهای بسیار نگران کننده، می توان استنباط کرد که برنامه دخالت خارجی کشورهای امپریالیستی در ایران، از مرحله نوین و در عین حال بسیار جدی و خطرناکی عبور کرده است که می تواند اثرات بسیار فاجعه باری برای کشور ما در بر داشته باشد. سیاست های ماجراجویانه رژیم جمهوری اسلامی از جمله سیاست «صدور انقلاب اسلامی» اثرات بسیار مخرب و فاجعه باری برای کشور ما در برداشته است و ادامه این سیاست ها می تواند بهانه لازم را به دست نیروهایی بدهد که مجدداً فاجعه نوینی برای میهن ما بیافرینند.

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن ترور و تروریسم گروه های افراطی و از جمله تروریسمی که رژیم جمهوری اسلامی سال ها علیه نیروهای ملی و مترقی میهن ما آشکارا و در سکوت کامل کشورهای غربی به کار گرفته است، اعلام می کند که با هرگونه دخالت خارجی در امور داخلی کشور ما قاطعانه مخالف است و هرگونه تشدید تشنج و درگیری نوینی در منطقه را مغایر مصالح خلق های منطقه و در جهت منافع امپریالیسم و ارتجاع ارزیابی می کند. در این شرایط بسیار حساس و خطرناک برخورد مسوولانه تمامی نیروهای ملی و مترقی کشور ما و منطقه برای درهم شکستن این تحولات نگران کننده و خطرناک ضروری است.

در پی سه حمله تروریستی گروه حماس به بیت المقدس و اورشلیم که بیش از ۶۰ کشته و صدها زخمی برجای گذاشت، دولت اسرائیل ضمن اعلام حالت فوق العاده، یک سلسله تصمیم های سرکوبگرانه علیه اکثریت سکنه فلسطینی نشین این مناطق اتخاذ کرد که زحمتی عادی ده ها هزار فلسطینی را مختل کرده است. منع عبور و مرور فلسطینی ها به مناطق اشغالی و دستگیری صدها تن از جمله اقدام هایی است که به ادعای دولت اسرائیل هدفش نابودی گروه حماس است.

در کنار این سلسله اقدام ها، دولت مصر اعلام کرد که به دنبال دعوت حسنی مبارک، کنفرانس بزرگی از سران بیش از سی کشور جهان، از جمله روسای جمهور آمریکا، فرانسه، ایتالیا، روسیه، ترکیه و نخست وزیران آلمان، انگلستان، اسپانیا، و سران بسیاری از کشورهای دیگر در هفته جاری در مصر برگزار خواهد شد. این یک سیاست هماهنگ بین المللی برای مقابله با تروریسم که ریشه های آنرا در ایران و حکومت جمهوری اسلامی می بیند اتخاذ شود. در همین حال وارن کریستوفر، وزیر امور خارجه آمریکا، سفرای بسیاری از کشورهای غربی و خاورمیانه را فرا خواند تا پیرامون تنظیم «یک سیاست بین المللی» برای برخورد با «تروریسم» سیاست واحدی اتخاذ شود. دولت آمریکا نیز اعلام کرد که از هر اقدام دولت

- نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در ۲۶ - مین کنگره حزب کمونیست آمریکا در ص ۴
- قطعه نامه همبستگی با جنبش کارگری و کمونیستی ایران در ص ۴
- رویدادهای ایران و جهان در ص ۲ و ۷
- به یاری پناهندگان و پناهجویان ایرانی در ترکیه بشتابیم در ص ۵
- انقلاب بهمن، جنگ هشت ساله و جنگ افزارهای امپریالیست در ص ۸

زنده باد آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!



مواسم بزرگداشت دکتر مصدق

در سالروز درگذشت دکتر مصدق، ۱۴ اسفند ماه، هزاران نفر از هم میهنانمان که در شمار آنها تعداد زیادی از اعضا و هواداران احزاب و گروههای وابسته به ملیون حضور داشتند، با گرد آمدن در قلعه احمدآباد و گلپارگان مزار وی، یاد رهبر جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران را گرامی داشتند.

۱۰۰ روزنامه نگار خواهان پوشش وزیر ارشاد شدند

به دنبال سخنان توهین آمیز مصطفی میرسلیم، وزیر ارشاد و عضو «جمعیت مؤتلفه اسلامی»، که چندی پیش در مورد روزنامه نگاران گفته بود آنها «شعور استفاده از آزادی را ندارند»، یکصد تن از روزنامه نگاران کشور طی امضای طومار خواهان عذرخواهی وزیر ارشاد شدند. آنها در نامه خود نوشتند که میرسلیم سعی دارد تا جلوی آزادی هایی را که قانون اساسی به مطبوعات و نویسندگان اعطا کرده است بگیرد و آزادی روزنامه نگاران و نویسندگان را محدودتر کند و هربار که تلاش های او با شکست مواجه می شود، برای سلب آزادی از خبرنگاران و مطبوعات، روش دیگری را به کار می گیرد.

نامه سرگشاده شورای سردبیری «جهان اسلام»

اعضای شورای سردبیری روزنامه «جهان اسلام»، به مسؤولیت سیدهای خامنه ای، طی نامه سرگشاده ای به ریاست جمهوری اعتراض خود را نسبت به عدم ارائه پاسخی مستدل و قانونی درباره تعطیل این روزنامه، که حدود یک سال از آن می

گذرد، اعلام داشتند. آنها در نامه خود نوشتند: «متأسفانه باید اذعان کنیم که امیدمان را از قوه قضائیه، دیوان عدالت اداری و تمامی نهادهایی که مسئولیت قانونی دارند از دست داده ایم». اعضای شورای سردبیری روزنامه مذکور در پایان نامه خود یک بار دیگر بر «غیرقانونی» بودن تعطیل روزنامه «جهان اسلام» تاکید کردند.

تجدید انتشار نشریه «پیام دانشجو»

حشمت الله طبرزدی، مدیر مسؤول نشریه «پیام دانشجو» که حدود هفت ماه پیش توقیف شده بود، در دادگاهی با حضور «هیات منصفه مطبوعاتی» تبریته شد و نشریه مذکور مجدداً اجازه انتشار یافت. اولین شماره پس از توقیف نشریه «پیام دانشجو» که در تاریخ ۱۳ اسفند ماه منتشر شد، طی یک مقاله شدیدالحن، ضمن تشریح «فقر، بیکاری، فساد، اختلاس و...» حاکم بر جامعه، جناح رسالت را در پیدایش وضع موجود «شریک دوستان و یاران دیروز خود» (یعنی جناح رفستجانی) معرفی کرد.

انتشار دو نشریه جدید وابسته به «رادیکال»

«دانشجوی خط امام»، نشریه «اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان دانشگاههای سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت)» مجدداً انتشار یافت. در اولین شماره دوره جدید این نشریه، مقالاتی مانند «سیاست تعدیل و عدالت اجتماعی»، «ارگان جریان تمام خواه [اشاره به جناح رسالت] چه می گوید؟» و اخباری در خصوص مسایل دانشگاهی و تشکل های دانشجویی و مواضع «دفتر تحکیم وحدت» در رابطه با انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی به چاپ رسیده است. همچنین، اولین شماره هفته نامه «بهار» با هدف «دفاع از حاکمیت قانون»، «بسط گستره آزادی»، «دفاع از ارزش های انقلاب»، «مبارزه با ناهربری و تبعیض»، «دفاع از مشارکت همگانی» و «توسعه همه جانبه ایران اسلامی»، در اول اسفند ماه سال جاری منتشر شد.

هجوم «حزب الله» به خانه دکتر پیمان

بنا به گزارش حزب ملت ایران، آیین «شب قدر» که در خانه دکتر حبیب الله پیمان و با شرکت تعدادی از هواداران «جنبش مسلمانان مبارز» تشکیل

شده بود، با هجوم افرادی که خود را «حزب الله» می خواندند برهم زده شد.

جمهوری اسلامی باز هم دست به ترور زد

اعمال جنایتکارانه تروریستی جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. طبق گزارش خبرگزاری رویتر، مسعود رجوی رهبر «سازمان مجاهدین خلق» در بیانیه ای اعلام کرد که زهرا رجبی، «یک مقام ارشد شورای ملی مقاومت» و عبدالعلی مرادی، یکی از هواداران سازمان مذکور، روز اول اسفند ماه در استانبول ترکیه توسط عوامل جمهوری اسلامی به قتل رسیدند. حزب دموکرات کردستان ایران نیز طی اطلاعیه ای اعلام کرد که در طول یک ماه گذشته، پنج تن از اعضای این حزب و همچنین دو پناهنده کرد ایرانی، در کردستان عراق توسط مأموران و عوامل امنیتی جمهوری اسلامی ترور شده اند.

اختلاف درآمد ثروتمندان و فقرا

مرتضی الویری، مشاور اقتصادی رییس جمهوری اسلامی، در گفت و گویی با روزنامه «همشهری» گفت: «به طوری که آخرین آمار موجود نشان می دهد، متوسط درآمد ۱۰ درصد از جمعیت کشور که در بالاترین سطح ثروت و رفاه قرار دارند ۲۷/۳ برابر از فقیرترین قشرهای جامعه بیشتر است». وی افزود: «در کشورهای پیشرفته جهان این نسبت کمتر از ۱۵ به یک است». الویری نگفت که سیاست «تعدیل اقتصادی» رییس جمهوری اسلامی چه تاثیری در ژرفش بی سابقه فاصله طبقاتی در ایران داشته است.

خبرگزاری فرانسه نیز اخیراً طی گزارشی اعلام کرد که درآمد سرانه در ایران به حد ۷۸۰ دلار سقوط کرده است و از این نظر ایران به سمت کشورهای فقیری نظیر مصر حرکت کرده است.

۴۰ درصد کارگران فاقد مسکن هستند

مهندس حسن آقابابا، مدیرعامل اتحادیه «اسکان»، ۴۰ درصد کارگران کشور را فاقد مسکن اعلام کرد. او هدف از تشکیل اتحادیه «اسکان» را، که از سال ۱۳۶۵ آغاز به فعالیت کرده است، «قانونمند کردن مقوله مسکن کارگری» اعلام نمود.

در حاشیه انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی

- اخبار رسیده حکایت از جو ناآرام در شهرهای اصفهان و نجف آباد دارد. در اصفهان، «صلاحیت» دکتر کامران، نماینده اول این شهر در مجلس چهارم که به جناح «رادیکال» های اسلامی وابستگی دارد، در بدو امر از طرف هیات نظارت محلی «رد» شد و پس از اعتراض وی، توسط وزارت کشور مورد تأیید قرار گرفت. اما پس از یک روز، «شورای نگهبان» مجدداً «صلاحیت» وی را رد کرد. در پی این حادثه، شبانه پوسترهای تبلیغاتی جناح های حاکم پاره شد و شمارهای ضد دولتی بر دیوارهای شهر نوشته شد. همچنین در نجف آباد، به دنبال رد «صلاحیت» فضل الله صلواتی به جرم طرفداری از آیت الله منتظری، جو ناآرامی بر شهر حاکم شد.
- تعدادی از نامزدهای انتخاباتی که «صلاحیت» شان رد شده است، به عنوان اعتراض در جلوی دفتر «شورای نگهبان» در تهران تجمع کردند. به دنبال این حرکت، خامنه ای طی یک سخنرانی بی سابقه، به کسانی که نسبت به رد «صلاحیت» شان اعتراض می کنند، «هشدار قانونی» داد.

- بهزاد نبوی اعلام کرد که «صلاحیت» حد اقل ۵۸ نفر از کاندیداهای وابسته به «چپ مذهبی» رد شده است. وی طی مصاحبه ای با روزنامه «سلام» اعلام کرد که «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران»، «با شرایط و تردیدهای زیاد» در انتخابات شرکت می کند.
- «مجمع روحانیون مبارز» طی یک نامه سرگشاده خطاب به خامنه ای، که در روز ۱۵ اسفند انتشار یافت، چگونگی بررسی «صلاحیت» کاندیداهای انتخاباتی را «بسیار وخیم» توصیف کرد و نوشت چنین وضعی از «آینده بسیار بدی از انتخابات ناسالم و بکطرفه خبر می دهد».
- به گزارش اولین شماره ۱۳ اسفند نشریه «پیام دانشجو» و سرمقاله شماره اول اسفند نشریه «عصر ما»، جناح رسالت میلیاردها تومان برای تبلیغات انتخاباتی خویش اختصاص داده است که از طرف تجار و بازاری ها تأمین شده است.
- هفته نامه «بهمن» در سرمقاله شماره ۱۴ اسفند خود به قلم عطاءالله مهاجرانی، مناوون حقوقی و پارلمانی رییس جمهور و سخنگوی گروه «کارگزاران سازندگی ایران» (جناح رفستجانی)، نسبت به

استقرار «دیکتاتوری مطلق» در صورت حاکم شدن جناح رسالت ابراز «نگرانی» کرد. او طی مصاحبه ای اعلام کرد که منابع مالی تبلیغات انتخاباتی گروه «کارگزاران» به وسیله «بعضی از صاحبان صنایع» تأمین می شود.

- گروه جدیدی به نام «جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی توسط محمد ریشه‌ری، که مناسبات بسیار نزدیکی با علی خامنه ای و مشکینی رییس مجلس خبرگان دارد، تشکیل شد و اقدام به ارائه یک لیست انتخاباتی در تهران نمود. در اعلامیه این «جمعیت» در رابطه با ۳۰ نفر نامزد مورد نظر آن آمده است: «کوشیده ایم از بین داوطلبان نمایندگی مجلس، و مستقل از وابستگی های گروهی آنان، کسانی را که به طور نسبی به ملاک های مورد نظر ما نزدیک تر باشند به شما مردم عزیز و انقلابی معرفی نماید». در میان ۳۰ نفر کاندیدای این جمعیت، ۱۷ نفر از کاندیداهای «جامعه روحانیت مبارز» از جمله ناطق نوری، ۸ نفر از کاندیداهای جناح رفستجانی، ۵ نفر دیگر دیده می شود. عناصری از وابستگان به «رادیکال» های اسلامی، و ۵ نفر دیگر دیده می شود.

سخنی با نهضت آزادی پیرامون پنجمین دوره «انتخابات» مجلس

خیمه شب بازی «انتخابات» پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی به پایان خود رسید. حزب توده ایران از جمله نخستین سازمان های سیاسی کشور بود که ماه ها قبل ضمن بررسی شرایط هدف و برنامه «انتخاباتی» مرتجمان حاکم را افشاء کرد و از جمله نوشت: «گروه حاکم، یعنی نمایندگان کلان سرمایه داری تجاری ایران، «بازاریان بزرگ»، روحانیون محافظه کار و طرفداران انجمن ساواک ساخته حجتیه که امروز با نام گروه «رسالت» شناخته می شوند، در یک یورش منسجم و سازمان یافته هدف خود را برای تأمین سلطه کامل بر ارکان «نظام» زیر شمار «مرگ بر ضد ولایت فقیه» آغاز کرده است و با یاری جستن از اکثریت خود در مجلس، شورای نگهبان، ولی فقیه و غیره مصمم است تا تمامی رقبای اجتماعی را از سر راه بردارند...» (نامه مردم شماره ۴۶۷ - ۳۰ آبان ماه ۱۳۷۴).

افزون بر این حزب ما به روشنی پیش بینی کرد که: «... بر اساس این صحبت ها روشن می شود که تنها کسانی امکان راه یافتن به مجلس بعدی را دارند که کاملاً در خط «ولایت فقیه» باشند... به عبارت دیگر «انتخابات» خیمه شب بازی از پیش تدارک دیده شده ای است که حد و حدود «آزادی» آن در چارچوب گروه حاکم، نزدیکان آنان و مزدوران رنگارنگ رژیم «ولایت فقیه» خلاصه می شود...» (همانجا).

در مقابل چنین ارزیابی واقع گرایانه ایی که بر اساس درک ما از شرایط و عملکرد هفده ساله سران رژیم «ولایت فقیه» استوار بود، گروه مدودی از نیروهای سیاسی کشور از جمله نهضت آزادی به رهبری آقای ابراهیم یزدی و تنی چند از شخصیت های ملی اعلام کردند که این امیدواری وجود دارد که بتوان «انتخابات» آزاد در رژیم «ولایت فقیه» برگزار کرد و رژیم را وادار به عقب نشینی نمود. بر اساس این ارزیابی سیاست تحریم یک سیاست غیر فعال بود و می بایست فعالانه و با تمام قوا در «انتخابات» شرکت کرد. آقای مهندس سبحانی در تأیید چنین موضعی در سخنرانی خود در کلاس ضمن اشاره به اینکه فضای سیاسی کشور باز تر شده است و باید این آزادی را بدون آنکه مجدداً انقلابی و «یا قیامی» صورت بگیرد و یا فروپاشی انجام بگیرد ذره ذره گرفت، اضافه کرد که: باید شرایطی ایجاد شود که این حاکمیت آتقدر دچار بن بست ها و بحران ها بشوند که خودشان مجبور بشوند بروند.

از جمله توضیحاتی که توسط این نیروها در مورد دلایل شرکت شان در انتخابات داده می شد از جمله این بود که: ما با شرکت در انتخابات رژیم را افشاء می کنیم، زیرا اگر رژیم اجازه شرکت به کاندیداهای ما را نداد معلوم خواهد شد که در ایران آزادی نیست؟

سؤال هایی که در مقابل چنین ارزیابی نیازمند پاسخگویی می باشد، از جمله این است که ملاک آزادی در جمهوری اسلامی چیست؟ آیا اگر به فرض شورای نگهبان به تمامی کاندیداهای نهضت آزادی اجازه شرکت در «انتخابات» را می داد و صلاحیت آنان را رد نمی کرد، آنوقت نهضت آزادی اعلام می کرد که «انتخابات» آزاد است و به این توهم دامن می زد که مردم با رای خود خواهند توانست رژیم «ولایت فقیه» را که سد اساسی هرگونه تحول دموکراتیک و حرکت جامعه ما به سمت آزادی و عدالت اجتماعی است، از سر راه بردارند؟ و امروز که چنین نشده است معلوم می شود در ایران آزادی نیست؟

آیا نهضت آزادی به هنگام اعلام شرکت در «انتخابات» نمی دانست که این «انتخابات» قرار

است زیر نظارت استصوابی شورای نگهبان برگزار شود و از جمله شرایط شرکت در این خیمه شب بازی «التزام عملی» کاندیداها به «ولایت مطلقه فقیه» است؟

بر اساس چنین ارزیابی هایی مردم باید تمامی تجربه هفده ساله خود را پیرامون سرکوب خشن و خونین حقوق بشر، سرکوب سازمان و احزاب سیاسی و انجمن های صنفی را نادیده می گرفتند و دوباره در پی کشف آتش، به صحنه «انتخاباتی» می آمدند تا میزان بود یا نبود آزادی در ایران برایشان مشخص شود.

پاسخ ما در مقابل چنین تحلیل هایی یادآوری این نکته است که نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور در شرایط حساس و سرنوشت ساز کنونی وظیفه بسیار خطیر سازمان دهی مبارزه و مقاومت در مقابل استبداد حاکم را در مقابل خود دارند که کوتاهی از آن به هردلیلی می تواند عواقب دردناکی به همراه داشته باشد.

به گمان ما برای تشخیص این که در ایران آزادی هست یا نیست، تنها کافی است به زندگی روزمره مردم در ایران و عملکرد رژیم «ولایت فقیه» رجوع کرد. ما این خوش بینی را نداریم که می توان رژیم دیکتاتوری را در یک روند خود به خودی خسته کرد و سپس آنان داوطلبانه حاضر خواهند شد حکومت را به مردم و نیروهای مترقی تحویل دهند. نه تاریخ اخیر کشور ما و نه تاریخ کشورهای دیگر منطقه نشان دهنده چنین امکانی هست. تنها در مقابل تشدید مبارزه سازمان یافته از پایین است که حکومت های دیکتاتوری حاضر به عقب نشینی و در انتها تحویل قدرت می شوند. آنچه که امروز در ایران می گذرد، نه اعطای آزادی از سوی رژیم (و یا به تصور دوستان نهضت آزادی جناحی از رژیم) بلکه تشدید مبارزه و مقاومت اقشار وسیع مردم است که از ادامه حکومت دیکتاتوری جانیشان به لب رسیده است. این مبارزه در شرایط حاضر پراکنده و سازمان نیافته است و درست به همین دلیل است که رژیم قادر است علی رغم این موج عظیم نارضایتی و این بحران فلج کننده اقتصادی - اجتماعی و سیاسی به حیات خود ادامه دهد.

اتفاقاً اگر به عملکرد رژیم در ماه های گذشته دقت شود، روشن می گردد که برخلاف این ارزیابی که رژیم و یا بخشی از آن قصد دارد زیر فشار فضای سیاسی کشور را باز کند، همه علایم و شواهد از حرکت رژیم «ولایت فقیه» به سمت بستن روزنه های کوچکی است که در سال های اخیر پیدا شده بودند. تصویب لایحه «مجازات جرایم ضد امنیت ملی» در کنار یورش های سازمان یافته حزب الله و انصار حزب الله و یا به عبارت دیگر یورش نیروهای سرکوبگر و مزدور رژیم به هرگونه صدای حق طلبی در جامعه از یورش به دانشگاه ها تا حمله به زنان و حتی یورش به حوزه های علمیه و دستگیری طلاب مخالف در کنار برگزاری مانورهای بزرگ امنیتی در سراسر کشور و بسیج نیرو های ضربت برای دفاع از استبداد کنونی، همگی نشانگر برنامه مشخص رژیم

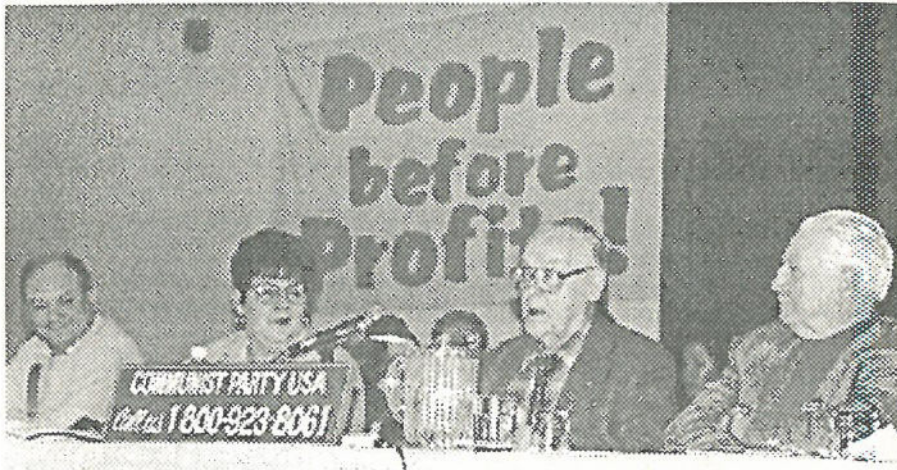
برای تشدید سرکوب و ادامه حکومت به هر قیمتی است. امروز دیگر حتی تحمل نظرات روشنفکرهای مذهبی نیز برای رژیم و ارگان های سرکوب مشکل شده است. برگزاری «انتخابات» پنجمین دوره مجلس نیز بخشی از این برنامه است که هدفش خاموش کردن هرگونه صدای مخالفتی حتی در درون خود حاکمیت جمهوری اسلامی است. گروه بندی «رسالت» یا «راست سستی» از مدتها قبل اعلام کرده بود که هدف از برگزاری «انتخابات» پنجمین دوره تقویت خط رهبری و «ولایت» یا به عبارت دیگر تقویت خطی است که نماینده واپسگرا ترین و ارتجاعی ترین نظرات در سطح جامعه است. درست به همین دلیل است که حزب ما از همان ابتدا اعلام کرد باید با شرکت فعال در سازمان دهی یک کارزار وسیع تحریم «انتخابات» هرگونه مشروعیتی را از این نیروها و طرفداران آنان سلب کرد. نگرانی سران این گروه از جمله ناطق نوری، عسگر اولادی، جنتی، و مهدوی کنی که دایماً از ضرورت شرکت مردم در «انتخابات» دم می زدند نیز دقیقاً از همین جا نشأت می گرفت که در صورت عدم شرکت مردم در این خیمه شب بازی دست آنان برای اجرای بخش های دیگر این برنامه از جمله تصاحب پست ریاست جمهوری بسته تر خواهد بود. و اتفاقاً به همین دلیل بود که شرکت نیروهای مستقل در «انتخابات» از جمله نهضت آزادی برای مشروعیت دادن به این حرکت ضروری بود. ما از ماهها قبل به هنگام دیدارهای مخفی رییس قوه قضاییه و ابراهیم یزدی به نهضت آزادی هشدار دادیم که امید دریافت آزادی از یک رژیم عمیقاً سرکوبگر و ضد مردمی در شرایطی که در جامعه یک حرکت سازمان یافته برای مبارزه در راه آزادی و عدالت اجتماعی وجود ندارد، سربا بیش نیست.

ما مستقصدیم که آزادی را نمی توان از درون زوبندهای نهب و آشکار با سران رژیم به دست آورد بلکه باید آنرا در روند مبارزه سازمان یافته توده ها تحقق بخشید. بر اساس چنین اعتقادی بود که کمیته مرکزی حزب ما پیشنهاد تشکیل یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری را برای تشدید مبارزه مشترک همه نیروهای آزادی خواه برای پایان دادن به رژیم «ولایت فقیه» مطرح کرد و همه نیروهای آزادی خواه و مترقی کشور را به همکاری و همیاری در این راه فراخواند. ما بر خلاف آنها که نگران قیام و یا انقلاب دیگری هستند و انقلاب بهمین را تجربه ای دردناک ارزیابی می کنند، عمیقاً به یک جنبش مردمی برای ایجاد تحول بنیادین در جامعه مان اعتقاد داریم. اگر نیاز به آموختن تجربه از انقلاب بهمین است، باید در وحله نخست به این نکته توجه کرد که در نبود یک جبهه واحد مردمی با یک برنامه مشخص برای تحقق آزادی و عدالت اجتماعی در آستانه انقلاب بود که نیروهایی که اکنون حاکم هستند، توانستند میوه چنینان یکی از بزرگ ترین و خلقی ترین جنبش های مردمی منطقه ما گردند و این انقلاب شکوهمند و آرمان های ولای آن را که در شعارهای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی تبلور می یافتند به بیراهه و ارتجاع و سرانجام به شکست بکشاند.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران

در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا:

کمونیست های آمریکا حزب خود را توده ای می کنند



رفیق کاس هال صدر حزب کمونیست آمریکا در حال سخنرانی

بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا در روزهای اول تا سوم ماه مارس سال جاری در شهر کارگری کلیولند واقع در ایالت اوهایو با موفقیتی کم نظیر برگزار گردید. در این کنگره بیش از پانصد نفر از اعضای حزب به نمایندگی از سوی سازمان های حزبی ۲۸ ایالت آمریکا شرکت داشتند. به دعوت حزب کمونیست آمریکا، هیأت های نمایندگی کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام، حزب توده ایران، حزب کمونیست یونان، حزب سوسیالیست مردمی مکزیک، حزب کمونیست کانادا و حزب سوسیالیست زلاند نو به عنوان میهمان در این کنگره شرکت کردند. همچنین، بیش از ۵۰ حزب از احزاب کارگری و کمونیستی سراسر جهان، از جمله حزب کمونیست کوبا و حزب کمونیست فدراسیون روسیه، با ارسال پیام هایی، همبستگی خود را با حزب کمونیست آمریکا اعلام داشتند.

کنگره بیست و ششم حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا در محیطی بسیار رقیقانه و رزمجویانه برگزار شد. نمایندگان، یکی پس از دیگری، وحدت حاکم بر این کنگره را با جو پرنش کنگره بیست و پنجم، که در آن اپورتونیست های هوادار کاریاچف به عیب کشیدند تا حزب را از مسیر مارکسیست - لنینیستی آن خارج کنند و به راه سوسیال دموکراسی بکشانند مقایسه می کردند و پیروزی بزرگ حزب بر این جریان انحرافی را تبریک می گفتند. نکته جالب اینکه تعداد زیادی از رقیقانی که در کنگره گذشته حزب را ترک کرده بودند، مجدداً به حزب بازگشته بودند و تعدادی از آنها به عنوان نماینده در این کنگره شرکت داشتند.

رفیق کاس هال، صدر حزب کمونیست آمریکا، در سخنرانی افتتاحیه خود که بیش از سه ساعت به طول انجامید و به اتفاق آرا به تصویب کنگره رسید، تحلیل دقیقی از اوضاع جهان، آمریکا و پیروزی های اخیر کمونیست ها در سراسر جهان و حزب کمونیست و جنبش کارگری در آمریکا، و همچنین خطر جدی قدرت گرفتن فاشیسم از طریق حزب جمهوری خواه آمریکا، را به کنگره ارائه کرد. در این گزارش، رفیق کاس هال از روی آوری گسترده طبقه کارگر و رهبران جنبش اتحادیه ای آمریکا به حزب سخن گفت و اعلام کرد که تنها در طول سال گذشته، چند هزار نفر به اعضای حزب کمونیست و سازمان جوانان حزب افزوده شده است. وی این روی آوری گسترده را نتیجه انجم درونی حزب، مشی سیاسی صحیح آن و پایبند ماندن آن به اصول ایدئولوژی مارکسیست - لنینیستی حزب دانست و از جانب رهبری حزب پیشنهاد حرکت به سمت تبدیل حزب کمونیست آمریکا به یک حزب مارکسیست - لنینیستی توده ای را به کنگره ارائه کرد. نمایندگان کنگره به اتفاق آرا این طرح را تصویب کردند و قرارهای اساسنامه ای لازم را برای جامعه عمل پوشاندن به این تصمیم صادر نمودند.

رفیق کاس هال در گزارش خود همچنین به خطر رشد فاشیسم در آمریکا، که امروز در کالبد حزب جمهوری خواه این کشور حلول کرده است، اشاره کرد و به عقب راندن و شکست آن را وظیفه اصلی و عاجل کمونیست ها و جنبش کارگری آمریکا اعلام نمود. بر

این اساس مقرر شد که حزب باید در انتخابات آتی آمریکا که در ماه نوامبر آینده برای انتخاب ریاست جمهوری و بخش بزرگی از نمایندگان کنگره برگزار خواهد شد، در اتحاد با همه نیروهای دموکرات و ضدفاشیست به ویژه جنبش اتحادیه ای کارگران، همه کوشش خود را برای جلوگیری از کسب مقام ریاست جمهوری و کرسی های مجلس نمایندگان و ستای آمریکا توسط جمهوری خواهان متمرکز کند. کنگره، در روز آخر اجلاس خود، کمیته مرکزی جدید حزب را که بیش از ۵۰ درصد اعضای آن فعالان و رهبران جنبش کارگری و اتحادیه ای آمریکا هستند انتخاب کرد. کنگره همچنین به اتفاق آرا قطعنامه ویژه ای را در حمایت از جنبش کارگری - کمونیستی ایران صادر نمود که متن آن در زیر آمده است.

در جریان کنگره، نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران پیام کمیته مرکزی حزب را به حزب کمونیست آمریکا تقدیم کرد که بخش هایی از آن در این شماره «نامه مردم» آمده است. نماینده کمیته مرکزی حزب همچنین در طول کنگره با رقیق های هیأت نمایندگی حزب کمونیست ویتنام، حزب کمونیست یونان و حزب کمونیست کانادا ملاقات های دو جانبه ای داشت که طی آن ها طرفین یکدیگر را در جریان اوضاع اجتماعی و سیاسی کشور خود قرار دادند. هیأت نمایندگی حزب کمونیست ویتنام در ملاقات خود با نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، هدیه ای از کارهای دستی خلق ویتنام را به کمیته مرکزی حزب توده ایران اهدا کرد.

قطعنامه ویژه بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست آمریکا در پشتیبانی از جنبش کارگری - کمونیستی ایران

از آنجا که دولت جمهوری اسلامی ایران:

- همه سازمان ها و اتحادیه های مستقل کارگری را ممنوع و به شکلی خشن سرکوب کرده است؛
- همه احزاب و سازمان های مترقی در ایران، از جمله حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، را ممنوع و به شکلی خشن سرکوب کرده است؛
- صدها نفر از فعالان و رهبران جنبش اتحادیه ای و کمونیستی ایران، از جمله دهها نفر از اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران، را دستگیر، شکنجه و اعدام کرده است
- بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا:**
- عمیق ترین همبستگی های انترناسیونالیستی خود را با جنبش کارگری، سندیکایی و کمونیستی ایران اعلام می دارد؛
- خواستار پایان بخشیدن سریع به همه اشکال سرکوب علیه طبقه کارگر ایران است؛
- خواستار آزادی فعالیت برای همه احزاب و سازمان های کارگری، سندیکایی و کمونیستی ایران است؛
- آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی در ایران، به ویژه همه رهبران و فعالان سندیکایی و همه اعضا و رهبران زندانی حزب توده ایران را طلب می کند.

کلیولند، اوهایو - سوم مارس ۱۹۹۶

به یاری پناهجویان و پناهندگان ایرانی در ترکیه بشتاییم

فاجعه انسانی به ضرورتی مبرم تبدیل شده است... حزب توده ایران ضمن محکوم کردن فعالیت های تروریستی مزدوران جمهوری اسلامی در ترکیه، همبستگی خود را با مبارزه و تحصن هفت ماهه دهها تن از هم میهنان ما در ترکیه اعلام می کند و از همه نیروهای مترقی و انسان دوست جهان می خواهد تا هر چه سریع تر امکانات خود برای جلوگیری از بازگرداندن این پناهجویان به ماموران امنیتی رژیم جنایتکار به کار گیرند

* در این زمینه نامه ای از سوی روابط بین الملل کمیته مرکزی حزب توده ایران به دفتر سازمان عفو بین الملل و دفتر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ارسال شد.

* سازمان عفو بین الملل همچنین نگرانی خود را از سرنوشت علی توسلی، از رهبران سابق سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، که در شهریور ماه سال جاری (۲۷ سپتامبر ۱۹۹۵) توسط ماموران امنیتی رژیم در باکو ربوده شده و به تهران برده شده بود اعلام کرد. لازم به تذکر است که کمیته مرکزی حزب در نامه خود به نماینده جدید سازمان ملل متحد به ایران، خواهان رسیدگی او به این مسأله شده بود. بر اساس گزارش های اولیه از سفر فرستاده سازمان ملل متحد به ایران، مقام های امنیتی رژیم از دادن پاسخ به موریس کاپیتورن در این زمینه طفره رفته اند.

ادامه عملیات تروریستی رژیم جمهوری اسلامی و بی توجهی مقام های سازمان ملل متحد و دولت راستی ترکیه در مجموع شرایط بسیار دشواری را برای گروه زیادی از پناهندگان و پناهجویان ایرانی در ترکیه ایجاد کرده است. در هفته گذشته بر اساس گزارش سازمان عفو بین الملل یک تن از مسزولان «شورای ملی مقاومت» در ترکیه به نام زهرا رجیبی و یکی از هواداران سازمان مذکور به نام عبدالملی مرادی به دست مزدوران دولت ایران در استانبول ترور شدند. در همین حال از ترکیه خبر رسید که وضعیت ده ها تن از هموطنان ما که اکنون بیش از هفت ماه است در دفتر حزب سوسیالیست ترکیه برای جلوگیری از بازگرداندنشان به ایران تحصن کرده اند بسیار دشوار و در عین حال خطرناک شده است. در اطلاعیه این پناهجویان که در تاریخ ۲۲ فوریه منتشر شده است از جمله آمده است: «تحصن ما اکنون با تشدید مبارزات خود علیه رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی و به ویژه حرکت اخیر اقدام به تظاهرات در مقابل سفارت رژیم در آنکارا که واکنش کین توزانه و انتقامجویانه رژیم علیه ما را برانگیخت وارد دشوارترین و حساس ترین مرحله خود شده است... هر لحظه احتمال وقوع فاجعه ای جبران ناپذیر می رود... دفاع و حمایت کلیه نیروهای مترقی، انسان دوست... در جهان با استفاده از تمام امکانات و برای جلوگیری از یک

بخش هایی از پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به ۲۶ - مین کنگره حزب کمونیست آمریکا

رفقای گرامی، کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب همه اعضای حزب، گرم ترین درودهای رفیقانه و برادرانه خود را به مناسبت برگزاری بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا به شما تقدیم می کند.

بیست و ششمین کنگره حزب شما در یکی از خطرناکترین نقاط عطف تاریخی، هم در آمریکا و هم در سطح جهان، برگزار می شود. به قدرت رسیدن دست راستی ترین نیروهای «جمهوری خواه» در آخرین انتخابات کنگره کشورتان، آغازگر یک پورش همه جانبه و خشن به همه دستاوردهای طبقه کارگر آمریکا، سیاهپوستان و دیگر اقلیت ها، و زنان در طول یک قرن گذشته بوده است. قطع بودجه های پیشنهادهی و اجرا شده از سوی واپسگرایان دست راستی که اکنون در واشنگتن قدرت را به دست گرفته اند زندگی میلیون ها انسان زحمتکش را در کشور شما به خطر انداخته و میلیون ها نفر از افراد بی بضاعت، کودکان، سالمندان و مادران تنها را به فقر مفرط و حرمان کشانده است...

رفقای عزیز، لازم می دانیم از این فرصت استفاده کنیم و توجه شما را به مبارزه دشواری که مردم ایران، به ویژه طبقه کارگر ایران، علیه یکی از خشن ترین رژیم های دیکتاتوری قرن بیستم به پیش می برد جلب نماییم... آنها صدها کمونیست و رهبر جنبش سندیکایی ایران را، که بسیاری از آنان از رهبران و اعضای حزب توده ایران بودند، اعدام کردند. آنها همه احزاب سیاسی و سازمان های توده ای را ممنوع اعلام کردند و یکی از خشن ترین و خونین ترین دیکتاتوری ها را به مردم زحمتکش ایران تحمیل نمودند... بر اساس این واقعیات، پلنوم پنجم کمیته مرکزی حزب توده ایران که در دسامبر ۱۹۹۵ برگزار شد، فراخوانی برای تشکیل یک «جبهه واحد ضد دیکتاتوری» با شرکت همه نیروهای دموکراتیک و انقلابی کشور صادر کرد.

پلنوم همچنین خواستار اتحاد عمل نیروهای چپ و کمونیست ایران به عنوان تنها وسیله تضمین و دفاع از حقوق دموکراتیک طبقه کارگران ایران در برابر حملات رژیم گردید. علی رغم همه دشواری های موجود، ما مطمئن داریم که تشکیل این جبهه گسترده و دموکراتیک «ضد دیکتاتوری»، طبقه کارگر و مردم زیر ستم ایران را قادر خواهد ساخت تا به هدف های انقلاب بهمین ۱۳۵۷ خود، که برای آنها بیش از ۶۰ هزار قربانی داده اند، دست یابند.

رفقای گرامی، طبقه کارگر ایران و طبقه کارگر آمریکا همواره در برابر دشمن واحدی مبارزه کرده اند. و این ریشه روابط نزدیک و عمیقاً برادرانه ای است که همواره میان حزب توده ایران و حزب کمونیست آمریکا وجود داشته است. ما از یاری و همبستگی انترناسیونالیستی شما، که در دشوارترین شرایط مبارزه در اختیار ما گذاشته اید، سپاسگزاری می کنیم. ما برای حزب شما به خاطر مواضع اصولی ایدئولوژیک آن در رابطه با مسائل مربوط به مبارزه طبقاتی، که حزب توده ایران خود را در آنها عمیقاً با شما سهم می داند، احترام بسیار قایلیم...

با درودهای رفیقانه،
کمیته مرکزی حزب توده ایران

چه کسی ایرانی است؟

دهند، تعریفی که سال هاست تجربه شده است و اینکه حاکمان جمهوری اسلامی مانند یک ارتش اشغالگر، بر کشوری حکومت می کنند که کوچک ترین شناختی از آن ندارند. همیشه این کوته بوده است، رهبرانی که با قلدری و زور سرنیزه بر کرده مردم سوار باشند نیازی به شناخت درست آنان ندارند، حاکمان جمهوری اسلامی نیز هیچگاه خود را نیازمند اینگونه شناخت ها نیافته اند.

فارسی می تواند زبان اداری، زبان سیاسی، زبان مشترک و حتی زبان رسمی همه ایرانیان باشد اما زبان ملی آنان نیست و تعیین کننده هویت ایرانی نیز نمی باشد، اجباری بودن آن تا به امروز از سوی حاکمان مستبد دلیل درست بودن آن نبوده و نمی باشد. دفاع ما از حقوق خلق های ساکن ایران نیز از همین کوناگونی ملیت های آن ریشه می گیرد. آنانیکه این واقعیت ها را نادیده می گیرند بیراهه می روند و تعبیری جز تعبیر سردمداران جمهوری اسلامی از ایرانی بودن را نمی توانند ارائه دهند که در عین نادرستی، تفرقه افکنانه و خطرناک نیز می باشد. ایران با تمام ساکنان خود که به زبان های کوناگونی سخن می رانند، در محدوده تاریخی و جغرافیایی... خود تعریف می شود نه در آن محدوده نفاق افکنانه ای که سردمداران جمهوری اسلامی بدان دست می یازند.

روزنامه رسالت در شماره ۱۹ دی ماه به اصطلاح خود «به استقبال کلام رهبر رفته است» و به نقل از گفته های خامنه ای در رابطه با زبان فارسی نوشته است «مهم ترین دلیل ایرانی بودن ما ایرانیان این است که به زبان فارسی سخن می گوئیم». ملاحظه می کنید؟ تاریخ اندیشانی که چنین تصور سیاهی از ایران و ایرانی بودن دارند چگونه می توانند در راس اداره امور میهن ما قرار بگیرند که در آن میلیون ها تن از هموطنان ما به زبان های دیگری سخن می گویند؟ اینان چه صلاحیتی دارند کشوری را اداره کنند که در هر گوشه آن میلیون ها ایرانی با زبان دیگری حرف می زنند؟ دروغگویان بی وطنی که صدها هزار تن از هم میهنان ما را در جبهه های جنگی که نه به خاطر «دفاع از ایران» بلکه به خاطر دفاع از اسلام من در آوردی خود قربانی کردند چگونه می توانند مرز بین ایرانی بودن و ایرانی نبودن را تعیین کنند و از آن سخن رانند؟ از این سیاه اندیشانی که دیکتاتوری سبز ولایت فقیه را به زور سرنیزه بر میهن ما حاکم ساخته اند می توان پرسید که میلیون ها تن از هموطنان آذربایجانی، کرد، بلوچ، ترکمن، عرب، اسوری، ارمنی و... که به فارسی سخن نمی گویند چه ملیتی دارند و با چه عنوانی باید نامیده شوند؟

کسانی که بهترین فرزندان سرزمین ما را به جرم مردم دوستی و ایران دوستی به جوخه های اعدام سپردند و بر سینه ستر آنان آتش کشوندند، امروزه تعریف درستی از هویت خود را ارائه می

سرمایه بزرگ تجاری...

بدین طریق گریبان خود را برهاند و از دست آنان جان سالم بدر برد.

این تجار بزرگ، که از آغاز جنگ خاتمانوز هشت ساله با عراق - و به ویژه پس از آنکه «آیت الله خمینی» در چهارم شهریور ۱۳۶۳ صریحاً فرمان داد که «بازار» را «جلویش را نگیرید» - از طریق احتکار و ایجاد قطعی و گرانفروشی و دلالی، ثروت خود را به افلاک رسانده اند و بر اساس آمار رسمی دولتی، نقدینگی خود را، که از گلولی مردم زحمتکش ایران بیرون کشیده بودند و همچنان می کشند، از ۳۲۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ به ۹۰۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۴، ۱۳۶۸، ۲۳۰۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰، و به گفته مرتضی محمد خان، وزیر امور اقتصادی و دارایی رژیم، به ۶۰۰۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۳ افزایش داده اند، چگونه می توانند از «عدالت اجتماعی» سخن بگویند؟

با انگیزه ایجاد زمینه برای همین ثروت اندوزی نجومی بود که آنها شمار «جنگ، جنگ، تا پیروزی» را پس از بیرون راندن ارتش متجاوز عراق از خرمشهر توسط نیروهای ملحق و اعلام آمادگی صدام برای قبول شرایط صلح به پیش کشیدند، صدها هزار نفر از فرزندان مردم زحمتکش ایران را به جبهه های جنگ فرسایشی با عراق، به میدان های مین گذاری شده دشمن فرستادند، هزاران هزار خانواده را داغدار کردند، صدها هزار معلول به جامعه تحویل دادند و به اقتصاد ایران بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار خسارت وارد کردند.

هم این تجار و سرمایه داران بزرگ و نمایندگان سیاسی آنها در حاکمیت بودند که از همان ابتدای پیروزی انقلاب با هرگونه رفرم اجتماعی به نفع کارگران و زحمتکشان و دهقانان و زنان ایران مخالفت کردند و همه نیروی خود را در جهت متوقف کردن آنها به کار گرفتند. آنها اصلاحات ارضی به نفع دهقانان کم زمین و بی زمین را «غیر شرعی» خواندند؛ تصویب قانون کار مدافع زحمتکشان و به رسمیت شناخته شدن قراردادهای جمعی برای کارگران را مخالف «موازین اسلام» خواندند؛ با ملی شدن تجارت خارجی مخالفت ورزیدند؛ با قیمت گذاری کالاها، برقراری سوبسیدها، تشکیل تعاونی های توزیع و اصولاً هرگونه دخالت دولت در اقتصاد به نفع مردم زحمتکش مبارزه کردند و آن را منابر «اصول شرعی» دانستند. آنها، به انواع و اقسام بهانه های «شرعی»، واپسگرایانه ترین و سرکوبگرانه ترین قوانین را علیه زنان ایران به تصویب رساندند.

هم این تجار و سرمایه دارانی که امروز دم از «مستضعفان» و «عدالت اجتماعی» می زنند بودند که بلافاصله پس از اندوختن ثروت کافی و به دست گرفتن اهرم های سیاسی در حاکمیت، با کمک سازمان های امنیتی امپریالیستی جنایتکارانه ترین کشتارها را علیه مدافعان راستین عدالت اجتماعی برای مردم ایران، به ویژه کمونیست ها و در پیشاپیش آنها حزب توده ایران، سازمان دادند و هزاران مبارز راه آزادی و عدالت اجتماعی را در جریان فاجعه ملی در عرض چند روز اعدام کردند و در گورهای جمعی ناشناخته مدفون ساختند.

و بالاخره، همین تجار و سرمایه داران بزرگ بودند که پس از خلاص کردن گریبان خود از دست مدافعان واقعی عدالت اجتماعی و به دست آوردن اکثریت در مجلس چهارم جمهوری اسلامی، دست در دست شراکی خود در حاکمیت، یعنی جناح رفسنجانی، چهار اسبه به سمت پیاده کردن سیاست های امپریالیستی و خانمان برانداز «تمدیل اقتصادی» و «خصوصی سازی»، که از سوی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول دیکته می شد، تاختند و در عرض کمتر از پنج سال تسمه از گردن مردم زحمتکش ایران کشیدند و آنان را به روز سیاه نشانند.

درست به خاطر همین سیاست های ضد مردمی این آقایان است که امروز بیش از نیمی از مردم میهن ما زیر خط فقر زندگی می کنند؛ هزینه سکن بیش از ۸۰ درصد درآمد آنان را می بلعد؛ نرخ تورم به بیش از ۶۰ درصد رسیده است؛ بیکاری، اعتیاد و فحشا در سراسر کشور بیداد می کند؛ نزدیک به یک چهارم فرزندان میهن ما از تحصیل محرومند؛ هر روز ۶۰۰ کودک ایرانی کمتر از یک سال در اثر سوء تغذیه و نبود امکانات بهداشتی جان خود را از دست می دهند و از هر هزار کودک، ۱۳۰ نفر قبل از پنج سالگی به خاک سپرده می شوند. در حالی که در سمت مقابل، ۱۰ درصد جمعیت کشور، یعنی همین تجار و سرمایه داران بزرگ مدافع «عدالت اجتماعی»، بیش از نیمی از درآمد کل کشور را در اختیار دارند و متوسط درآمدشان ۲۷ برابر از درآمد فقیرترین قشرهای جامعه بیشتر است!

در این تردیدی نیست که میان این ثروت های نجومی و آن سیاست های جنایتکارانه و ضد مردمی که این آقایان در طول ۱۷ سال گذشته به پیش برده اند، رابطه تنگاتنگ مستقیم وجود دارد. ایندو لازم و ملزوم یکدیگر اند و هیچیک بدون دیگری نمی تواند تداوم داشته باشد. و این جان کلام آن مقوله علمی است که مارکسیست ها به عنوان «منافع طبقاتی» و «تضاد طبقاتی» می شناسند. از این دیدگاه علمی، آنچه در روندهای اجتماعی تعیین کننده است، نه ادعاهای لفظی نیروهای سیاسی، بلکه «منافع طبقاتی» عینی آنان است. و صحت و سقم این ادعاها، تنها با رجوع به این منافع عینی طبقاتی می تواند مورد ارزیابی قرار گیرد.

تاریخ معاصر ایران، از انقلاب مشروطیت تاکنون، مکرراً ثابت کرده است که سرمایه داری بزرگ تجاری ایران، علی رغم همه شعارهایی که ممکن است در این یا آن برهه تاریخی در دفاع از آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی سر داده باشد، هیچگاه این مقولات را در راستای منافع طبقاتی خود ندیده و همواره در جهت عکس آن حرکت کرده است. هم منافع طبقاتی و هم عملکرد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی این لایه از بورژوازی بزرگ ایران در دوران پس از انقلاب، حاکی از درستی این حکم علمی تاریخی است. به همین دلیل، توجه خواننی های امروز این آقایان برای «عدالت اجتماعی» را باید تنها به عنوان ترفندی برای خاک پاشیدن در چشم مردم، گریبان خود را از خشم آنان رها نیدن، و وارد آوردن ضربه نهایی به زحمتکشان ایران ارزیابی کرد. همه اینها نیز امروز به این دلیل اتفاق می افتد که در حال حاضر در میهن ما «سنگ ها را بسته اند و سگ ها را رها کرده اند». مارکس می گوید بورژوازی برای آنکه خود را به قدرت برساند، باید به طبقات تحت استثمار جامعه چنین الناء کند که مدافع منافع آنان نیز هست. این آن فریبی است که امروز در میهن ما در جریان است و باید با تمام قدرت در جهت افشای آن مبارزه کرد.

پیام نوروزی کمیته مرکزی...

سابقه فساد و ارتشاء، در درون دستگاه اداری رژیم جمهوری اسلامی عمق پوسیدگی و ضد مردمی بودن رژیمی را افشا، کرد که سران آن مرتباً از «تقوا»، «درستکاری» و «عدالت» سخن می گویند و آنوقت این چنین بی محابا به غارت و چپاول بیت المال کشور مشغول هستند.

در بستر چنین شرایطی بود که ما در سال گذشته شاهد اوج گیری ناراضیاتی های مردمی، اگرچه پراکنده و سازمان نیافته، در گوشه و کنار کشور بودیم. از قیام خونین مردم زجر دیده اسلام شهر که از بی آبی به خیابان ها ریختند و شعار «مرگ بر جمهوری اسلامی» را سر دادند، تا اعتراض های مردمی در استان های شمال کشور و اعتصاب و برخورد های کارگری در آذربایجان، نشانگر تشدید رویارویی توده ها علیه رژیم «ولایت فقیه» بود.

با تشدید بحران همه جانبه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی رژیم، برخوردها در درون و بیرون حاکمیت نیز تشدید شد و با نزدیک تر شدن «انتخابات» پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی ابعاد تازه ای یافت.

جناح ارتجاعی «رسالت» که در «انتخابات» دوره گذشته با کمک هواداران رفسنجانی توانسته بود مخالفان «رادیکال» خود را از مجلس براند، به مثابه نماینده کلان سرمایه داری تجاری ایران و نماینده واپسگرا ترین اندیشه های ضد مردمی این بار زیر شعار دفاع از «ولایت مطلقه فقیه» به میدان آمد تا حاکمیت سیاسی کشور را به انحصار خود در آورد. در حالی که این گروه عوام فریبانه دم از «عدالت اجتماعی» و دفاع از منافع محرومان می زند، دیگر جای تردید نیست که این جناح از مسؤولان درجه اول فاجعه کنونی کشور است و در پی اعمال سیاست های مخرب و خانمان برانداز «تمدیل اقتصادی» و «سپردن کار مردم به مردم» همین جناح و متحدان دیروزی آنان (رفسنجانی و شرکا)، بوده است که کشور در لبه چنین پرتگاه خطرناکی قرار گرفته است.

برخورد مستبدانه شورای نگهبان رژیم در جریان این «انتخابات» و حذف هزاران تن از کاندیداهای انتخاباتی، از جمله گروه بزرگی از نمایندگان کنونی مجلس، هرگونه توهمی را حتی در ذهن خوش باور ترین نیروهای سیاسی کشور که تصور می کردند از طریق مذاکره و یا «بده بستان» با رژیم می توان برای رسیدن به آزادی با آن مصالحه کرد، زدود و نشان داد که چاره ای جز تشدید مبارزه مشترک همه نیروهای مترقی و آزادی خواه و تمامی مردم زحمتکش علیه رژیم «ولایت فقیه» نیست.

کمیته مرکزی حزب توده ایران بار دیگر فرارسیدن سال نورا به همه هم میهنان گرامی و به ویژه اعضا، هواداران و دوستان حزب تبریک می گوید و امیدوار است سال نو سال پیروزی های بزرگ برای جنبش آزادی خواهانه و عدالت جویانه کشور، سال رهایی از بند های استبداد و ارتجاع حاکم باشد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
اسفندماه ۱۳۷۴



چهارمین کنفرانس حزب کمونیست روسیه

یازدهم فوریه چهارمین کنفرانس سرتاسری حزب کمونیست روسیه فدراتیو برگزار شد. کنفرانس طی قرارری درباره برگزاری انتخابات ریاست جمهوری روسیه اعلام کرد که جلات پرشمار کمونیست ها و غیر حزبی ها، محافل زحمتکشان، جنبش های گوناگون اجتماعی، پیش کسوتان، سازمان های زنان و جوانان از تمام نواحی روسیه، از کاندیداتوری گنادی زیوگانف حمایت می کنند. کنفرانس از جمله به کمیته مرکزی توصیه کرد که تدابیر لازم برای جلب حمایت رهبران احزاب سیاسی و جنبش ها و سازمان های گوناگون اجتماعی از کاندیداتوری زیوگانف اتخاذ شود.

کنفرانس توجه حزب را به تقویت تدابیر ضرور در حفظ امنیت نامزد احراز مقام ریاست جمهوری، جلب کرد.

کویتسف، معاون صدر کمیته مرکزی حزب از سخن رانان اصلی کنفرانس طی سخنرانی مبوطی از جمله گفت: «روسیه در برابر انتخاب تاریخی قرار گرفته است. مساله بسیار سخت و جدی مطرح است. با نیروهای چپ، مردمی و میهن دوست که منافع ریشه ای کشور و اجتماع را پاسداری می کنند، از طریق برخوردی قانونی، قادر خواهند شد رژیم ضد مردمی را برکنار نمایند و سرمایه داری وحشی را در روسیه متوقف سازند و یا ویرانی، از هم گسیختگی کشور، فقر و مرگ و میر مستقیم مردم ابعادی غیر قابل پیشگیری به خود خواهد گرفت. در سال ۱۹۱۷ لنین وضع موجود را مورد بررسی قرار داد از «فاجعه تهدید کننده» سخن می گفت. امروز برای کشور ما فاجعه به واقعیتی تبدیل می شود.

روسیه کنونی با کارخانه های از کار افتاده، کشاورزی سقوط کرده، مردم فقیر شده اش، ارتش بی روحیه و افسار گسیختگی جنایت، از بسیاری جهات آن سال های دور را بخاطر می آورد. ولی اینک وضع دشوارتر و بنرنج تر و بدتر است...

گنادی زیوگانف سخنران دیگر کنفرانس ضمن سخنانی اعلام کرد: «زمان وعده دادن ها گذشته است و اینبار دیگر خاطر نشان می سازم. محتوای استراتژی بیش از انتخابات ما فوق العاده ساده است. ما نه چندان از خود باید بگوئیم، بلکه کارهایمان اجتماع و مطبوعات را وادارد که درباره آنها بگویند. زیوگانف سخنان

خود را در کنفرانس این چنین به پایان برد: «عدالت، امنیت و استقلال، اینست شمار ما».

توافق های جدید تسلیحاتی

مذاکرات بین انگلستان و امارات متحده عربی جهت امضای نهایی یک موافقتنامه نظامی دو جانبه و همچنین حصول توافق های جدید برای فروش تسلیحات انگلیسی ادامه دارد. یکی از عمده ترین مسایل مورد بحث عدم تمایل انگلیس به واگذاری کنترل قضایی پرسنل نظامی انگلیس که در امارات متحده عربی مستقر خواهند شد، می باشد. صاحب نظران مطلع معتقدند که در صورت تاخیر امضای موافقتنامه، کمپانی های انگلیسی از رقبای فرانسوی، آمریکایی، آلمانی و هلندی خود برای فروش ۶ عدد ناوچه به قیمت ۱/۵ میلیارد دلار که در حال حاضر مورد بحث است، عقب خواهند افتاد. کمپانی انگلیسی بریتیش آیروسپیس نیز در حال حاضر در رقابت سختی با کمپانی های لاکهید مارتین، مک دونالد داگلاس، رسالت و میکویان برای فروش حدود ۸۰ هواپیمای جنگنده به قیمت بیش از ۲ میلیارد دلار به امارات متحده عربی می باشد. این کمپانی انگلیسی به امارات پیشنهاد کرده است که در مقابل واگذاری موقت یک چاه نفت حاضر است ۲۴ هواپیمای جنگنده تورنادو را به این کشور تحویل دهد.

در چند ماهه اخیر جرمی هنلی وزیر خارجه انگلیس و همچنین مایکل پورتیلو، وزیر دفاع انگلیس از ابوظبلی پایتخت امارات متحده عربی بازدید و مذاکرات جدی در مورد تقویت بنیه نظامی این کشور با مقامات آن داشته اند. مایکل پورتیلو در پایان بازدید خود از امارات، در دی ماه جاری اعلام کرد: «ما در مذاکرات برای امضای یادداشت تفاهم پیشرفت عظیمی بدست آورده ایم». او اضافه کرد که «چندین مساله حقوقی» باقیمانده است. امارات متحده عربی در سال ۱۹۹۴ یک موافقتنامه دفاعی دو جانبه با امارات متحده و یک سال قبل نیز قرارداد مشابهی با فرانسه امضاء کرد. با توجه به اوضاع متشنج کشورهای حوزه خلیج فارس و نیز مشاجرات ادامه یابنده جمهوری اسلامی ایران با امارات، روند سرازیر شدن اسلحه های مدرن و نیز مستشاران نظامی کشورهای امپریالیستی تحت عنوان یادداشت های تفاهم منمقد شده نگرانی محافل ترقی خواه منطقه را دامن زده است.

اعتصاب کارگران راه آهن رومانی

به گزارش مطبوعات ۱۰۰۰۰۰ کارگر راه آهن روز ۳ اسفند در یک اعتصاب دو ساعته که هدف آن اخطار به دولت بود، شرکت کردند. اعتصابیون خواهان افزایش حداقل حقوق از ۴۵ دلار به ۴۹ دلار می باشند. مدیریت کمپانی راه آهن ملی که در مذاکرات مقدماتی افزایش ۲۰٪ حقوق را پیشنهاد کرده بود، گفت اعتصاب «اقدامی آگاهانه و عمدی با هدف خدشه وارد آوردن به ثبات امنیت ملی می باشد» و از دادستان کشور خواست که در این مورد تحقیق کند. رهبران اتحادیه های کارگری، دولت و کمپانی را متهم کردند که قصد مرعوب کردن اعتصابیون را دارند. همچنین در ۴ اسفند ۳۰۰۰ کارگر دو کارخانه در

شهر مگیدیا در اعتراض به قطع متناوب برق به اعتصاب دست زدند. رومانی در حال حاضر مواجه با یک بحران انرژی حاد است.

* حزب سوسیالیست کارگری رومانی (حزب کمونیست سابق) اعلام کرد که معاون اول صدر خود، آدرمان پانسیو، شاعر معروف ۱۹۸۹ از چهره های با نفوذ فرهنگی - اجتماعی محسوب می شد، را کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری که در اواخر سال ۱۹۹۶ انجام می شود، کرده است. پانسیو قول داده است که اگر انتخاب شود در جهت پایه گذاری «سوسیالیسم دموکراتیک» در رومانی خواهد کوشید. رابطه حزب سوسیالیست کارگری که در حال حاضر بخشی از ائتلاف حاکم می باشد. در ماه های اخیر با حزب سوسیال دموکراسی رومانی تیره شده است.

افزایش بیکاری در ژاپن

در جریان مذاکرات مرسوم سالانه به منظور تعیین دستمزدها، اتحادیه های کارگری ژاپن پیشنهاد کارفرمایان را مبنی بر انجماد دستمزدها برای سال آینده قاطمانه رد کردند. اتحادیه های کارگری خواستار یک افزایش حقوق با میانگین ۴/۴ درصد شدند. در همین اثنا اعلام گردید که بیکاری در ژاپن، کشوری که بطور سنتی دارای اشتغال کامل بوده است رکورد سال ۱۹۹۵ را شکسته و به ۳/۴ درصد نیروی کار مولد رسیده است. از زمان متداول شدن ثبت آمار و میزان بیکاری در سال ۱۹۵۳، این بالاترین رقم است. در حال حاضر ۲/۱۱ میلیون نفر کارگر ژاپنی بیکار هستند ولیکن اتحادیه های کارگری معتقدند که رقم واقعی بیکاری حداقل ۲ برابر این رقم می باشد. زیرا در ژاپن هر کسی که حتی برای یک ساعت کار بکند بیکار محسوب نمی شود و در آمار بیکاری وارد نمی شود.

انقلاب بهمن ...

اردبیلی در ۱۹ بهمن ۱۳۶۷ اظهار داشت: «من جزء آنهايي هستم که معتقدند ای کاش ما جنگ را در فتح خرمشهر متوقف می کردیم... هنوز خود محوری ها نمیگذارد ما خود را ببینیم و اشتباهات را متوجه شویم». و رفسنجانی که خود چنانچه فرمانده کل قوا و طراح سیاست جنگی رژیم و در حقیقت عامل اصلی سیاست تداوم جنگ فرسایشی بود در ۱۸ بهمن ۱۳۶۷ اعلام داشت که باید «تلاش بیشتری می کردیم که جنگ آغاز نشود. کل جمع بندی این است که شاید ما با تجربه امروزی می توانستیم از بروز جنگ جلوگیری کنیم. ما امکاناتی را که صرف جنگ کردیم اگر صرف سرمایه گذاری های زیر بنایی اقتصادی می کردیم، شاید الان بسیاری از وابستگی ها از بین رفته بود». مردم زجر دیده ایران، خانواده هایی که عزیزان آنها در طی سال های جنگ امپریالیسم خواسته بدست رهبران رژیم به مسلخ روانه شدند، در آینده نزدیک در دادگاه خلق دادخواهی خواهند کرد و آنانی را که با سیاست های خود انقلابی بس شکوهمند را که می توانست به آزادی، استقلال و شکوفایی جامعه ایران منتهی شود را به شکست کشانده و تداوم وابستگی را هر چه بیشتر ممکن نمودند، مجازات خواهد کرد.

انقلاب بهمن، جنگ ۸ ساله و جنگ افزارهای امپریالیست ها

جریان بود تخمین زده می شود که هر دقیقه دو گلوله توپ از هر قبضه توپ شلیک می شد و در مجموع طول جنگ ۳۵ میلیون گلوله توپ شلیک شد. از این تعداد غرب و چین ۱۱ میلیون گلوله به عراق و ۸ میلیون گلوله به ایران فروختند. اگر قیمت هر کدام از این گلوله ها را که ۱۲۰۰ پوند می باشد در نظر بگیریم فقط بابت فروش گلوله های توپ ۲۰ میلیارد پوند به این دو کشور اسلحه فروخته شده است. گزارش اسکاوت مشخص می کند که بریتانیا قسمت عمده ذخیره جنگی گلوله های توپ خود را از طریق یونان، اسپانیا، پرتغال، ترکیه، آفریقای جنوبی، اردن و اسرائیل به طرفین جنگ به فروش رسانده است. بی شک در آینده جزئیات بیشتری در رابطه با سیاست های شیطانان امپریالیسم در رابطه با جنگ ایران و عراق به عنوان ابزار عمده به تحلیل بردن توان انقلاب و در نهایت شکست آن فاش خواهد شد ولی دیگر جای تردید برای کسی باقی نمی ماند که این موضع گیری حزب توده ایران در مرداد ماه ۱۳۶۱ پس از فتح خرمشهر در مرحله دفع متجاوز ادامه جنگ را دشمنی با انقلاب و به نفع امپریالیسم جهانی می دید تا چه حد صحیح، مردمی و انقلابی بود. در آن مرحله رهبران ارتجاعی رژیم دست در دست امپریالیسم نهاده و بر حزب ما تاختند که گویا از سیاست خارجی اتحاد شوروی تبعیت می کند ولی حقایق آشکار شده بعد از آن هیچ جای شکی باقی نمی گذارد که آنان که سیاست «جنگ جنگ تا پیروزی» را به سیاست رسمی کشور تبدیل کردند از فتح کربلا و نجف سخن گفتند در حقیقت به مجریان آگاه و ناآگاه امپریالیسم جهانی در مبارزه حساب شده و شیطانان اش علیه انقلاب بهمن ماه مبدل شدند. و جالب اینکه سیاست گزاران جمهوری اسلامی ایران از قبیل موسوی اردبیلی که حزب ما را به دلیل مخالفت با ادامه جنگ در مرداد ۶۱ ضد انقلابی معرفی و سرکوب آن را مجاز شمرند و شش سال بعد هنگامی که شکست انقلاب محقق شده بود سعی کردند که سهم خود را در تدوین سیاست ادامه جنگ کتمان کنند. روزنامه اطلاعات به نقل از موسوی

ادامه در ص ۷

اخیر چندین مورد خلاف کاری دول امپریالیستی حتی بر طبق قوانین عملکرد خودشان افشا شده است. بطور مثال ۳ ماه قبل مطبوعات انگلیس از نقش کمپانی بی مارک در صدور تعداد قابل توجهی توپ به جمهوری اسلامی ایران پرده برداشتند. جالب ترین مساله این افتضاح سیاسی این بود که یکی از مدیران عامل شرکت بی مارک، آقای جوناتان آبتکین، وزیر خزانه دار وقت و از مهم ترین چهره های دولت محافظه کار حاکم می باشد. بر طبق اسناد موجود در فاصله سال های ۱۹۸۵ و ۱۹۹۱ کمپانی بی مارک خواستار ۸۸ اجازه صدور اقلام تسلیحاتی به مقصد نهایی سنگاپور شد. علاوه بر این بی مارک در ۶ مورد اجازه صدور اقلامی را از طریق سنگاپور به عنوان مقصد واسطه ای نموده است. اکنون مشخص شده است که قسمت عمده توپ های دریایی نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران از طریق سنگاپور توسط کمپانی بی مارک تامین شده بود. در جریان بحث های پر دامنه ای که در این رابطه در پارلمان و مطبوعات انگلیس در گرفت حتی خود آبتکین هم قبول کرد که این عذر که مقصد نهایی توپ ها مشخص نبود هیچگاه معتبر نبوده چون حتی در کمپانی بی مارک شایع بود که استفاده از کشورهای ثالث برای رساندن تسلیحات فروخته شده توسط کشورهای سرمایه داری غرب به ایران و عراق در طول جنگ ۸ ساله و چشم پوشی محافل دولتی و بین المللی بر آن از مشخصه های بارز سیاست امپریالیسم بر تشویق و ترغیب طرفین به ادامه جنگ و نابود سازی منابع انسانی و مادی یکدیگر بود. به گفته آلن کلارک، وزیر جنگی و با نفوذ دولت محافظه کار «اگر این خارجیانی می خواهند یکدیگر را از بین ببرند و به ما برای این حق ویژه پول پرداخت کنند، به ما چه که در این باره مشاجره کنیم».

گزارش اسکاوت به وضوح افشاء می کند که دولت انگلیس علی رغم اطلاع دقیق از اینکه اکثر اسلحه تحویل شده به کشور اردن در بندر عقبه به عراق تحویل می شود از هرگونه اقدامی خودداری کرد و به صدور اسلحه به طرفین جنگ که طبق مصوبه پارلمان و قطعنامه سازمان ملل از آن منع شده بود ادامه داد. اکنون به وضوح فاش شده است که به محض اینکه توازن جنگ به نفع یکی از طرفین تغییر می کرد، سیل اسلحه بسوی طرف ضعیف تر سرازیر می شد که تبادله دوباره حاصل شود و با ادامه جنگ فرسایشی دو طرف هرچه بیشتر یکدیگر را نابود کرده و از این طریق امکان تسلط بر منابع منطقه را فراهم کند. طبق اسناد منتشره در گزارش اسکاوت، انگلیس در فاصله سال های ۸۸-۱۹۸۳ یک میلیارد پوند تسهیلات اعتباری در اختیار عراق قرارداد که عمدتاً به مصرف خرید تسلیحات انگلیسی و یا تکنولوژی نظامی رسید. در تحقیقات منتشر شده انگلستان بدون هیچ عذاب وجدان در طول مدت جنگ هر دو طرف درگیر را مسلح کرد. بطور مثال به یک مورد عمده تسلیحاتی مورد نیاز عراق و ایران که عمدتاً از طریق انگلیس تامین شد، یعنی گلوله توپ، باید اشاره کرد. ایران و عراق هر کدام بیش از ۱۰۰۰ قبضه توپ با کالیبر بالاتر از ۱۵۵ میلی متر داشتند. در نبردهایی که بین دو طرف در طول جبهه در

مصادف شدن ۱۷- مین سالگرد انقلاب شکوهمند مردم میهن ما و انتشار گزارش جنجالی آفرین نتایج تحقیقات قاضی اسکاوت در مورد عملکرد دولت محافظه کار انگلیس در رابطه با فروش اسلحه به طرفین درگیر لزوم بررسی درباره اثرات جنگ ۸ ساله به عنوان عامل عمده در به شکست کشانیدن انقلاب را مطرح می کند. در حقیقت اکنون به سادگی قابل اثبات است که در پروسه جنگ ۸ ساله عوامل داخلی و خارجی موثر در شکست انقلاب در هماهنگی دقیق با هم عمل کردند. اگر عاملان داخلی هدر دادن انرژی انقلاب میلیون ها ایرانی را به مملکت جنگ گسیل داشتند، عاملان امپریالیستی بی شرمانه با فروش اسلحه به طرفین درگیر، جنبش انقلابی را در میهن ما و مبارزه ضد رژیم سرکوبگر در عراق را کاملاً تضعیف کردند.

انتشار گزارش قاضی اسکاوت صرف نظر از مسایل تکنیکی آن در مورد چگونگی عملکرد ناقص دستگاه حاکمه «دولت فخیمه»، بطور واضح نقش آگاهانه و برنامه ریزی شده امپریالیسم انگلیس و ارتجاع جهانی را علیه انقلاب بهمن آشکار می سازد. این گزارش در ۵ جلد قطور بالغ بر ۱۸۰۰ صفحه می باشد. با افشای جزئیات و شخصیت های موثر، از عملکرد وزرای دولت، کمپانی های تولید کننده اسلحه و سازمان های امنیتی و اینتلیجنس سرویس انگلیس در به شکست کشاندن انقلاب بهمن پرده بر می دارد. اینکه چگونه دستگاه حاکمه امپریالیسم کهنه کار ماموریت قاضی اسکاوت به تهیه گزارش را قبول و انتشار آن را تحمل می کند نیز خود منبث از تحولات درونی امپریالیسم در «دوران نظم نوین جهانی» می باشد. در حقیقت اعلام «نظم نوین جهانی» امپریالیستی در طی جنگ امپریالیسم آمریکا و متحدان رنگارنگش علیه مردم عراق در جریان اشغال کویت توسط نیروهای صدام حسین، دربردارنده این پیام بود که امپریالیسم به ارزیابی جدید و متفاوتی از قابلیت استفاده از رژیم های سرسپرده و ضد مردمی نظیر رژیم صدام حسین رسیده است. افشای این مساله که بخشی از نیروهای ناتو توسط سلاح های اهدایی کشورهای عضو ناتو به عراق مورد حمله قرار گرفته اند، آغازگر یک سلسله افشای های مطبوعاتی و محاکمات پر سرو صدا در مورد جدیدترین معاملات تسلیحاتی کمپانی های انگلیسی با عراق گردید. افشای این مساله که کمپانی های اسلحه فروشی با اطلاع و توافق دولت و سازمان اینتلیجنس سرویس و در نقض آشکار مصوبه پارلمان مبنی بر بی طرفی در جنگ ایران و عراق عملیات خود را سازمان می داده اند، دولت را مجبور کرد که در جهت خنثی نمودن فشار تبلیغاتی - تحقیقات عمومی و علنی قاضی اسکاوت را بپذیرد.

علی رغم اهمیت نتایج گزارش اسکاوت، اشتباه خواهد بود که معاملات تسلیحاتی کمپانی های انگلیسی را فقط منوط به آنبهای بدانیم که مورد بررسی این گزارش شده اند. در حقیقت در ماه های

کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است
کمک های مالی رسیده
 رفیق سیامک از باکو ۵۰ دلار
 به یاد رفیق طبری - جنوب آمریکا
 رامین فرزانه - نیویورک ۱۰۰ دلار
 به یاد رفیق افضلی - جنوب آمریکا ۱۰۰ دلار

NAMEH MARDOM: No:475 **12 March 1996**

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

شماره فاکس و تلفن پیام گیر ما
 ۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:
 نام IRAN e.V.
 شماره حساب 790020580
 کد بانک 10050000
 بانک Berliner Sparkasse

1- Postfach 100644 , 10566 Berlin, Germany
 2- B.M.Box 1686, London WC1N 3XX, UK